

پژوهشی در معنای حق مالی عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ»

محمدعلی حیدری مزرعه آخوند *

سامیه شهبازی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۳۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵

چکیده

در مفهوم و تفسیر عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» در آیه ۱۴۱ سوره انعام بین مفسران اختلاف است؛ برخی آن را به زکات واجب و شرعی و برخی به صدقه و انفاق تفسیر کرده‌اند؛ برخی نیز این آیه را منسوخ به آیه زکات (توبه/۱۰۳، نازل شده در مدینه) می‌دانند، برخی دیگر آن را بر زکات واجب و شرعی تفسیر نموده و از آنجایی که سوره انعام مکی است و زکات در مدینه تشریح شده است، این آیه را در ردیف آیات مستثنیات قرار داده‌اند تا به زعم خویش تناقض را برطرف نمایند، در این پژوهش این نتیجه بیان شده است که عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» به معنای زکات شرعی و واجب نیست، بلکه به معنای صدقه و انفاق است که در هنگام جمع‌آوری محصول باید به فقیر و مسکین داده شود، این مدعا با آیات قرآن کریم، سیاق، روایات، فضای نزول آیه و اختلاف معنای زکات در بین کتب تفسیری متقدم و متأخر تقویت شده است، منسوخ و مستثنی نمودن این آیه نیز هیچ پشتوانه روایتی و قرآنی نداشته و صحیح نیست.

کلیدواژه‌ها: زکات واجب، صدقه، آیه ۱۴۱ سوره انعام، مستثنیات، ناسخ و منسوخ.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد (نویسنده مسؤل). Heydari@yazd.ac.ir

** دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه یزد. Samiehsahbazi7@gmail.com

مقدمه

سوره‌های مدنی معنای اصطلاحی و زکات شرعی واجب؛ علاوه بر این برخی از مفاهیم و کلمات ذکر شده در بین مفسران در طول تاریخ تفسیر معانی متنوع و متعددی داشته‌اند؛ متقدمان عبارت «وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» را به زکات تفسیر نموده‌اند، اما مقصود آنها نه زکات واجب و شرعی، بلکه به معنای صدقه و انفاق است؛ متقدمان برای بیان معنا و مفهوم زکات واجب و شرعی از اصطلاح «العشر و نصف العشر» استفاده کرده‌اند و متأخران بدون توجه به معنای زکات در نزد متقدمان آن را به زکات واجب شرعی تفسیر کرده‌اند و بعضاً در عبارت «وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» حکم به زکات واجب شرعی داده‌اند؛ سؤال اصلی این پژوهش این است که عبارت «وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» زکات واجب و شرعی است یا اینکه این عبارت با زکات واجب و شرعی ارتباطی ندارد؟ دیگر آنکه تفسیر این عبارت به صدقه و انفاق و نفی زکات واجب و شرعی از پشتوانه قرآنی، روایی و عقلی برخوردار است؟ درباره پیشینه تحقیق باید گفت که تاکنون پژوهشی مستقل جز نظر و نقل قول‌های مفسران در ذیل آیه مذکور در تفاسیر که زنگار اختلاف را در مورد این عبارت بزدايد، یافت نشد. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای است. در ادامه به بیان و بررسی عبارت «وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» پرداخته می‌شود:

تفسیر عبارت «وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» به زکات واجب

برخی از مفسران عبارت «وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» را به زکات شرعی و واجب تفسیر کرده‌اند، لیکن از آنجایی که سوره انعام مکی است و زکات واجب و

در طول تاریخ تفسیر قرآن کریم درباره مفاهیم برخی از آیات و یا برخی از فقرات آن اختلاف نظرهایی وجود داشته است، در این میان برخی بدون ژرفاندیشی و بررسی دقیق و بدون توجه به سیاق و روایات، مفاهیمی را از گذشتگان نقل کرده‌اند که معنای دقیق آیات را روشن نمی‌سازد؛ یکی از این مفاهیم عبارت «وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» در آیه ۱۴۱ سوره انعام است؛ مطالب مذکور ذیل این آیه، در بسیاری از تفاسیر با مبانی فکری شیعه در تضاد است؛ از جمله می‌توان به نظریه «آیات مستثنیات» و «ناسخ و منسوخ» اشاره کرد. در مبنای فکری و تفسیری شیعه نمی‌توان برای تفسیر آیات و حل تعارض‌ها از این دو نظریه استفاده کرد؛^۱ نیز در آیات قرآن کریم تمام مصادیق ذکر شده از یک لفظ به یک معنا نبوده و دارای معانی متفاوتی هستند که با توجه به سیاق آیات و روایات و دیگر مبانی تفسیر شناخته می‌شوند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به کلمه وحی اشاره کرد که در آیات مختلف قرآن کریم درجات معنای متفاوتی دارند، نیز به کلمه زکات که در آیه‌های مختلف دارای معانی گوناگون است؛ زکات در سوره‌های مکی معنای لغوی و نوعی صدقه دارد و در

۱. برای مطالعه و نادرستی آیات مستثنیات، رجوع کنید به مقاله «بررسی نظریه آیات مستثنیات سور مکی و مدنی»، فصلنامه مطالعات تفسیری شماره ۸ و مقاله «عوامل پیدایش آیات مستثنیات»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دوره ۲۱، شماره ۸۱، زمستان ۱۳۹۵، صفحه ۱۴۲-۱۶۵ و درباره ماهیت نسخ، رجوع کنید به مقاله «ارزیابی نظریه وقوع نسخ در قرآن کریم»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره ۱۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴.

کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۱/۲)، قاسمی نیز آن را زکات واجب دانسته و برای توجیه مکی بودن سوره و تشریح حکم زکات در مدینه آیه فوق را مستثنی نموده است (قاسمی، ۱۴۱۸: ۵۰۷/۴).

استدلال فوق صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا اصطلاح آیات مستثنیات از هیچ پشتوانه روایتی صحیحی برخوردار نیست و در حقیقت اجتهادی است از جانب مفسران اهل سنت در طول تاریخ تفسیر که بعضاً با تفسیر نادرست آیه و خلط میان معیارهای مکی و مدنی به وجود آمده است.

مفسران و عالمان علوم دینی در مکی و یا مدنی بودن سوره انعام اختلافی ندارند، بدین معنا که این سوره در زمره سوره‌های اختلافی در باب مکی و مدنی نیست، تنها اختلافی که بین مفسران است اختلاف در آیات مستثنیات این سوره است. از آنجایی که تمام روایت‌های ترتیب نزول، نزول این سوره را در ردیف پنجاه و پنجمین سوره نازل شده بین دو سوره صافات و حجر و در دوران میانی مکه گزارش کرده‌اند (شهرستانی، ۱۳۷۶: ۱۳۱/۱-۱۳۳؛ ابن‌ضریس، ۱۴۰۸: ۳۳-۳۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸/۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۱۴/۲)، هیچ مفسری آن را مدنی ندانسته است و حق نیز همین است و از آنجایی که برخی از مفسران آیه ۱۴۱ این سوره را از نزول کل سوره مستثنی کرده‌اند، با توجه به دو روایت عام در راستای نزول سوره‌ها و یک روایت خاص در راستای نزول سوره انعام قابل‌پذیرش نیست، روایات عام چنین‌اند:

أ: روی سعید بن جبیر عن ابن عباس قال: كان المسلمون لا يعلمون انقضاء السورة حتى تنزل بسم الله الرحمن الرحيم فإذا نزلت بسم الله الرحمن الرحيم علموا

شرعی در مدینه تشریح شده است، برای برون‌رفت از این مشکل رأی به مستثنی نمودن آیه ۱۴۱ انعام که در بردارنده عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» و یا منسوخ شدن آن به وسیله آیه ۱۰۳ توبه^۲ که در بردارنده زکات واجب است، داده‌اند؛ در ادامه با نقد و بررسی نظریه مستثنی نمودن آیه مذکور و منسوخ شدن آن، این نتیجه بیان شده است که هیچ‌یک از راه‌های ذکر شده در حل تعارض بین مکی بودن سوره انعام و تشریح زکات در مدینه راه گشا نیست.

مستثنی نمودن آیه

برخی از مفسران عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» را به زکات واجب و شرعی تفسیر نموده‌اند و از آنجایی که سوره انعام در مکه نازل شده است و زکات در مدینه تشریح شده است، آیه ۱۴۱/انعام را که در بردارنده عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» است، در ردیف آیات مستثنیات قرار داده‌اند؛ اولین بار زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳/۲) و فخر رازی در قرن ششم (رازی، ۱۴۲۰: ۴۷۱/۱۲) و پس از آن قاسمی در قرن چهاردهم در تفسیر محاسن التاویل (قاسمی، ۱۴۱۸: ۳۰۶/۴) آن را در ردیف مستثنیات قرار داده‌اند، فخر رازی در تفسیر عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» به ایراد سؤال پرداخته و جواب آن را با مستثنی نمودن آیه فوق داده است بدین معنا که چگونه می‌توان بین مکی بودن سوره انعام و تشریح حکم زکات در مدینه جمع نمود؟ بدین معنا که در مکه هنوز زکات تشریح نشده بود (رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۴/۱۳). زمخشری نیز سؤال فوق را مطرح

۲. خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (توبه/۱۰۳).

ان السورة قد انقضت (معرفت، ۱۴۱۵: ۸۴/۱).

ب: روی سعید بن جبیر عن ابن عباس قال: «أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم كان إذا جاءه جبرئيل فقرأ بسم الله الرحمن الرحيم علم أن ذلك سورة» (خوئی، ۱۳۶۴: ۴۴۵).

از فحوای دو روایت فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که در صورت نزول «بسمله» تمام آیات سوره در حال نزول نازل شده است و پرونده آن سوره از جهت نزول بسته شده است. متن دو روایت فوق با آیات قرآن تناقض نداشته و هیچ روایت متعارضی نیز برای آن یافت نشده است، سند آن نیز قابل قبول است زیرا سعید بن جبیر که از تابعان است از صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که ابن عباس است نقل کرده و نقل چنین سخنی نیز از ابن عباس قابل قبول است؛ و اما روایت خاص در جهت نزول سوره انعام چنین است:

ج: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ سُورَةَ الْأَنْعَامِ نَزَلَتْ جُمْلَةً شَبَعَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ حَتَّى أَنْزَلَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ ص فَعَطَّمُوهَا وَبَجَلُوهَا فَإِنَّ اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا فِي سَبْعِينَ مَوْضِعًا وَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي قِرَاءَتِهَا مَا تَرَكُوهَا (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۳۰/۶؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۵/۹). روایت فوق در بسیاری از کتاب‌های حدیثی و تفسیری شیعه و اهل سنت نقل شده است و بر این دلالت دارد که آیات سوره انعام یک‌پارچه و باهم نازل شده است و با نظریه آیات مستثنیات و مستثنی نمودن آیه ۱۴۱/انعام سازگاری ندارد و از آنجایی که آیات مستثنیات از راه اجتهاد مفسران در طول تاریخ زاده شده است نمی‌تواند با سخنی که ریشه

و میانی نقلی و حدیثی دارد مقابله کند و به تعبیری اجتهاد در مقابل نص (روایت) است، بنابراین با توجه به روایت‌های فوق و نزول یک‌پارچه سوره انعام، مستثنی نمودن آیه ۱۴۱/انعام صحیح به نظر نمی‌رسد، به نظر می‌رسد از تفسیر نادرست عبارت «آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» برخی از مفسران را برآن داشته تا این آیه را در ردیف آیات مستثنیات قرار دهند، آیه فوق در تفسیر مقاتل بن سلیمان، نوشته شده در قرن دوم و آغازگر آیات مستثنیات در ردیف مستثنیات قرار نگرفته است (بلخی، ۱۴۲۳: ۵۴۸/۱). نیز در التبیان فی تفسیر القرآن شیخ طوسی نوشته شده در قرن پنجم (طوسی، بی تا: ۷۵/۴) و تفسیر الصافی فیض کاشانی در قرن یازدهم (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱۰۶/۲) و تفسیر شبر در قرن سیزدهم (شبر، ۱۴۱۲: ۱۵۰)، از مستثنی شدن این آیه سخنی به میان نیامده است، درحالی‌که مفسران مذکور در بیان آیات مستثنیات بوده اند، اما در نقطه مقابل برخی از مفسران با تفسیر صحیح عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» مستثنی بودن آن را رد می‌کنند، سید قطب در جهت رد مستثناء شدن آیه فوق گوید: علت اصلی مستثنی شدن این آیه به جهت عبارت «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» است زیرا برخی از مفسران «آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» را به معنای زکات واجب و شرعی گرفته‌اند در حالی که در روایات بی‌شماری در ذیل آیه فوق آن را به معنای صدقه گرفته‌اند نه زکات، بنابراین با نفی حکم زکات شرعی و واجب و پذیرش صدقه و انفاق دیگر نیازی به مستثنی نمودن این آیه نیست (سیدقطب، ۱۴۱۲: ۱۰۲۱/۲). عبارت فوق بر صدقه و انفاق دلالت دارد نه زکات شرعی و واجب که به تفصیل در ذیل عبارت «تفسیر

عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» به صدقه و انفاق» سخن خواهیم گفت.

منسوخ شدن آیه

برخی از مفسران نیز به جهت حل تعارض میان آیه ۱۴۱ انعام و تشریح زکات واجب در مدینه، نظریه ناسخ و منسوخ را مطرح کرده‌اند؛ بدین معنا که آیه ۱۴۱ انعام توسط آیه ۱۰۳ توبه که دلالت بر زکات واجب و شرعی دارد، منسوخ شده است؛ اولین بار طبری در تفسیرش سخنانی از تابعان نقل کرده است که آنها حکم به منسوخ بودن آیه داده‌اند، به عنوان نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف: عن سعید بن جبیر: وَ أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ قَالَ: هَذَا قَبْلَ الزَّكَاةِ، فَلَمَّا نَزَلَتِ الزَّكَاةُ نَسَخَهَا (طبری، ۱۴۱۲: ۴۴/۸)

ب: عن السدی، أما: وَ أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ فَكَانُوا إِذَا مَرَّ بِهِمْ أَحَدٌ يَوْمَ الْحَصَادِ أَوْ الْجِذَازِ أَطْعَمُوهُ مِنْهُ، فَنَسَخَهَا اللَّهُ عَنْهُمْ بِالزَّكَاةِ وَ كَانَ فِيهَا أَنْبَتُ الْأَرْضِ الْعِشْرَ وَ نِصْفَ الْعِشْرِ (طبری، ۱۴۱۲: ۴۴/۸).

از عبارت‌های فوق چنین استنباط می‌شود که سعید بن جبیر و سدی با اجتهاد خویش نظریه منسوخ بودن آیه ۱۴۱ انعام را مطرح کرده‌اند و نهایتاً می‌توان نظریه منسوخ شدن آیه را یک نظر اجتهادی در کنار دیگر نظرها قرار داد، در نقطه مقابل برخی از مفسران متقدم نیز با نظریه منسوخ شدن آیه مذکور مخالفت کرده و آن را نپذیرفته‌اند؛ احمد بن علی جصاص در قرن چهارم در تفسیر *احکام القرآن* بر این نظر است که این آیه منسوخ نشده است، زیرا نسخ در جایی اتفاق می‌افتد که بین دو حکم، تعارض واقعی باشد، اما در این

آیه و آیه زکات تعارضی دیده نمی‌شود زیرا یکی از آنها مربوط به صدقه است و دیگری مربوط به زکات (جصاص، ۱۴۰۵: ۱۷۷/۴). ابن عطیه اندلسی در تفسیرش نیز بر این نظریه است (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۳۵۳/۲).

در نقد نظریه منسوخ شدن آیه فوق باید گفت که این نظریه نیز با توجه به مبانی فکری شیعه قابل قبول نیست، به همین دلیل در میان تفاسیر شیعه، سخنی از نسخ آیه فوق به میان نیامده است و نظریه منسوخ شدن آیه صرفاً اجتهادی است از جانب تابعان و از آنجایی که در نظر شیعه سخنان تابعان در ردیف حدیث قرار نمی‌گیرد، نمی‌توان نظر آنها را اصل قرار داد، برخلاف اهل سنت که سخنان تابعان را در ردیف حدیث و به نام حدیث مقطوع می‌شناسند علاوه بر این براساس نظر قاطبه مفسران شیعه، نسخ به معنای نسخ حکم آیات، در قرآن واقع نشده، زیرا قرآن ناگزیر باید از لحاظ الفاظ و مفاهیم بدون تغییر باشد تا جاودانگی آن لطمه نخورد، چرا که قبول نسخ حکم آیات برابر با محدود کردن محتوای برخی از آیات به زمان خاص است و این مهم با جاودانگی و همگانی بودن قرآن در تعارض است، از این رو نسخ تنها بدین معناست که قرآن در مقام آخرین کتاب آسمانی جاودان، ناسخ شریعت‌ها، کتاب‌ها و معجزات پیشین می‌باشد (اخوان مقدم، ۱۳۹۴: ۱-۲۵).

بنابراین با نفی تفسیر عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» به زکات واجب و نقد مستثنی و منسوخ شدن آیه فوق در ادامه به بیان مفهوم حقیقی این عبارت پرداخته می‌شود:

تفسیر عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» به صدقه و انفاق

در این بخش با استفاده از آیات قرآن کریم، سیاق آیه موردنظر، روایت‌های معصومان علیهم‌السلام و نیز مفهوم و معنای زکات در طول تاریخ تفسیر اثبات می‌شود که عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» به معنای صدقه و انفاق است و این صدقه متفاوت از زکات واجب و شرعی تشریح شده در مدینه است:

۱. زکات و صدقه در قرآن کریم

اصطلاح زکات و صدقه در قرآن کریم از جمله اصطلاحاتی است که هم در سوره‌های مکی ذکر شده است و هم در سوره‌های مدنی، برخی از مفسران بر این باورند که اصطلاح زکات به‌کاررفته در سوره‌های مکی نه به معنای زکات شرعی و واجب، بلکه به معنای صدقه و انفاق است، از جمله آیات دربردارنده اصطلاح زکات در سوره‌های مکی عبارت‌اند از: «الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (نمل/۳)؛ «وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» (روم/۳۹)؛ «الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (لقمان/۴)؛ «وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء/۷۳)؛ نیز آیات (فصلت/۷)؛ مریم/۳۱، ۵۵؛ اعلیٰ/۱۴؛ مزمل/۲۰؛ مؤمنون/۴؛ اعراف/۱۵۶؛ لیل/۱۸). براساس روایات ترتیب نزول و نظر مفسران سوره‌های نمل، روم، لقمان، فصلت، مریم، اعلیٰ، مزمل، مؤمنون، اعراف و لیل در ردیف سوره‌های

مکی قرار دارند (ابن‌زریس، ۱۴۰۸: ۳۳-۳۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸/۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۱۴/۲)؛ بنابراین نمی‌توان پذیرفت که لفظ و اصطلاح زکات در قرآن کریم فقط در سوره‌های مدنی و تنها به معنای زکات واجب و شرعی به کار رفته است؛ اصطلاح انفاق و صدقه نیز در سوره‌های مکی ذکر شده است از جمله می‌توان به آیه ذیل اشاره کرد: «أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرْتَبِينَ بِمَا صَبَرُوا وَ يَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (قصص/۵۴)؛ «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (سجده/۱۶)؛ نیز آیات شوری/۳۸ و فاطر/۲۹؛ سوره‌های سجده، شوری و فاطر نیز در ردیف سوره‌های مکی قرار دارند (سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸/۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۱۴/۲)؛ بنابراین می‌توان پذیرفت که لفظ زکات و یا مفاهیمی که بر زکات دلالت دارند و نیز آیاتی که از انفاق و بخشش مال سخن گفته‌اند، در سوره‌های مکی نیز یافت می‌شوند و معنا و مفهومشان نه به زکات واجب و شرعی، بلکه به صدقه و انفاق تفسیر می‌شود، بهترین دلیل قرآنی بر عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» به معنای صدقه و نفی زکات واجب و شرعی، آیات ۲۹-۱۷ سوره قلم، معارج/۲۴-۲۵ و آیه ۱۹ سوره ذاریات است، در ادامه به تشریح هر یک پرداخته می‌شود:

در سوره قلم که به اتفاق نظر تمام مفسران و روایات ترتیب نزول سوره‌های مکی است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۱۴/۲)، داستان جمع‌آوری محصول توسط صاحبان باغ بیان شده و می‌فرماید: «إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ» (قلم/۱۷) و در ادامه به ذکر این مطلب می‌پردازد که

۲. مفهوم عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» و سیاق آیه

در این بخش به بررسی معنای عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» در راستای سیاق و ارتباط فقرات آیه پرداخته می‌شود. سیاق عبارت است از نوع چینش کلمات یک جمله و پیوند آن با جمله‌های پیشین و پسین و محتوای کلی برآمده از آن (رجبی، ۱۳۸۳: ۱۲۵). قبل از عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» چنین آمده است: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ﴾؛ در این آیات از باغ‌های انگور و درختان میوه از جمله خرما، زیتون و انار سخن به میان آورده است و در ادامه بیان می‌دارد که در هنگام جمع‌آوری محصول باید مقداری از آن را به بینوایان بدهید، این در حالی است که بسیاری از مفسران بر این نظر هستند که در درختان میوه و خصوصاً زیتون و انار زکات واجب و شرعی معنا ندارد (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۳۵۳/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۶۳/۷)؛ نیز در روایات بی‌شماری بیان شده است که زکات به انار، درختان میوه و زیتون تعلق نمی‌گیرد، از امام باقر علیه‌السلام روایت شد که فرمود: *أَنَّ الزَّكَاةَ إِنَّمَا تَجِبُ جَمِيعُهَا فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ خَصَّهَا رَسُولُ اللَّهِ صَ بَفَرِيضَتِهَا فِيهَا وَهِيَ الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ وَالْحِنْطَةُ وَالشَّعِيرُ وَالْتَمْرُ وَالزَّيْبِبُ وَالْإِبِلُ وَالْبَقْرُ وَالْغَنَمُ وَعَفَا رَسُولُ اللَّهِ صَ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ* (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۶۰/۹)؛ نیز: *وَعَنْهُ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ حَكِيمٍ عَنِ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ* (همان)؛ از فحوای حدیث ذکر شده و نیز عبارت «عَفَا رَسُولُ اللَّهِ صَ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ» می‌توان

صاحبان باغ نمی‌خواهند از اموال خود به جهت صدقه به نیازمندان کمک کنند که خداوند چنین فرمود: ﴿أَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ﴾ (قلم/۲۴) از آنجایی که در سوره مکی قلم به صدقه دادن و کمک به مسکین از جانب دارندگان محصول و میوه اشاره شده است، می‌توان عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» را به معنای صدقه و انفاق در جهت مفهوم و تکمیل آیات سوره قلم تفسیر نمود نه زکات واجب و شرعی.

علاوه بر این در دو سوره مکی معارج و ذاریات نیز از انفاق و صدقه یاد شده است، بسیاری از مفسران در تفسیر عبارت‌های «حَقُّ مَعْلُومٌ» و «حَقُّ» ذکر شده به ترتیب در آیه ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقُّ مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (معارج/۲۵-۲۴) و نیز آیه ﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقُّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (ذاریات/۱۹)، بر این نظر هستند که منظور از حق معلوم، صدقه است نه زکات شرعی و واجب (رشیدالدین میبیدی، ۱۳۷۱: ۳۱۲/۹). این مفهوم در روایت‌ها نیز ذکر شده است: *الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى أَبِي عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقُّ مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» مَا هَذَا الْحَقُّ الْمَعْلُومُ؟ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: الْحَقُّ الْمَعْلُومُ: الشَّيْءُ يُخْرَجُهُ مِنْ مَالِهِ لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ* (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶/۷). براساس نظر مفسران و روایت‌های ترتیب نزول دو سوره معارج و ذاریات در مکه نازل شده است؛ بنابراین در دوران مکه نیز از کمک به بینوایان و مسکینان سخن به میان آمده است و این سفارش جدای از زکات واجب و شرعی بیان شده در دوران مدینه است.

در دریافت که زکات واجب و شرعی بر مصادیق خاصی تعلق می‌گیرد؛ علاوه بر این در لابه‌لای روایات می‌توان مطالبی یافت که به صراحت بیان می‌کند، زکات شرعی به میوه‌ها از جمله انار و زیتون تعلق نمی‌گیرد، لَا زَكَاةَ فِي الْخَضِرِ، وَالْبُقُولِ، وَالْفَوَاكِهِ، وَنَحْوِهَا، وَكُلُّ مَا يَفْسُدُ مِنْ يَوْمِهِ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵۸/۹) نیز مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْقَاسِمِ عَنِ عَلِيِّ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَيْسَ عَلَى الْخَضِرِ وَلَا عَلَى الْبُطِيخِ وَلَا عَلَى الْبُقُولِ وَأَشْبَاهِهِ زَكَاةٌ إِلَّا مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ غَلَّتِهِ فَبَقِيَ عِنْدَكَ سَنَةً (طوسی، ۱۳۶۵: ۶۶/۴).

بنابراین با توجه به سیاق آیه و جمله‌های قبل و بعد، می‌توان نتیجه گرفت که عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» بیانگر صدقه و انفاقی است که باید در هنگام جمع‌آوری محصول به بینوایان و مستمندان داد و این عبارت ارتباطی با زکات واجب و شرعی تشریح شده در مدینه ندارد.

۳. مفهوم عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» و روایت‌های معصومان علیهم‌السلام

در بسیاری از روایات منقول از امامان معصوم علیهم‌السلام این مطلب استنباط می‌شود که منظور از عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» صدقه و انفاقی است که در هنگام جمع‌آوری محصول باید به مسکین داده شود، نه زکات واجب و شرعی؛ از امام صادق علیه‌السلام در ذیل آیه ۱۴۱ انعام چنین روایت شده است: فِي الزَّرْعِ حَقَّانَ: حَقٌّ تَتَّخِذُهُ بِهِ، وَ حَقٌّ تُعْطِيهِ. قُلْتَ: وَ مَا الَّذِي أُؤْخَذُ بِهِ، وَ مَا الَّذِي أُعْطِيهِ؟ قَالَ: أَمَّا الَّذِي تَتَّخِذُ بِهِ، فَالْعَشْرُ وَ نِصْفُ الْعَشْرِ؛ وَ أَمَّا الَّذِي تُعْطِيهِ، فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: وَ أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴۵۸/۴؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵۶۵/۳). از فحوای روایت ذکر شده می‌توان چنین استنباط کرد که در محصولات از جمله محصولات زراعی دو حق وجود دارد، یکی آن حقی است که از صاحب زراعت گرفته می‌شود و این

نیز در انتهای آیه و بعد از عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» عبارت «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» ذکر شده است، این عبارت بر این دلالت دارد که در هنگام اعطای صدقه و انفاق زیاده‌روی نشود، اسراف در زکات معنایی ندارد، زیرا زکات مقدارش مشخص است، اما صدقه و انفاق کمیت و مقدارش مشخص نیست (راوندی، ۱۴۰۵: ۲۱۷/۱). مفهوم عدم اسراف در انفاق و صدقه و نه در زکات واجب و شرعی در دیگر آیات قرآن کریم نیز ذکر شده است: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان/۶۷). عبارت «إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا» همان معنا و مفهوم عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» را در بردارد، این عبارت بر این مطلب تأکید می‌کند که در هنگام صدقه و انفاق متعادل باشید و به ورطه افراط و تفریط گرفتار نشوید. این مفهوم در آیه ۲۹ اسراء نیز بیان شده است: ﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا﴾؛ نهی از اسراف

حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ - قَالَ حَقُّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ عَلَيْكَ وَاجِبٌ وَ لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ تَقْبِضُ مِنْهُ الضَّغْتُ مِنَ السَّنْبِلِ لِمَنْ يَحْضُرُكَ مِنَ السُّؤَالِ وَ لَا تَحْصُدُ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷/۹۳).

- عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ص عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اتُّوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ قَالَ يُعْطَى الْمَسْكِينُ الضَّغْتُ وَ الْقَبِضَةُ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ وَ ذَلِكَ تَطَوُّعٌ وَ لَيْسَ بِحَقٍّ لَازِمٌ كَالزَّكَاةِ الَّتِي أَوْجِبَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۲۶۴/۱).

۴. مصادیق مصرف زکات و «أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ»
براساس نظر مفسران آیه ۱۰۳ سوره توبه بر زکات دلالت دارد: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه/۱۰۳) و موارد و مصادیق مصرف آن نیز در آیه ۶۰ توبه ذکر شده است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه/۶۰).

بنابراین با توجه به آیه ۶۰ سوره توبه می‌توان نتیجه گرفت که مصادیق مصرف زکات ۸ مورد است که عبارت‌اند از: فقراء، مسکین، کارگزاران جمع‌آوری زکات، برای تألیف قلوب، بردگان، بدهکاران، درراه‌مانده و در راه خدا؛ تمام مصادیق واضح است و منظور از «الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ» کسانی هستند که از حالت شرک خارج شده‌اند (حویزی شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۳۲/۲) و خداوند را به یگانگی پذیرفته‌اند اما نبوت را نپذیرفته و نسبت به پیامبری حضرت محمد شک دارند باید به آنها زکات داد تا نبوت را بپذیرند و نسبت به آن

حق همان زکات واجب و شرعی است و دیگری حقی است که صاحب زراعت خودش به بینوایان می‌دهد و این حق همان حقی است که در عبارت «أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» نهفته است. در روایت دیگری چنین آمده است: شعيب العرقوفی قال سألت أبا عبد الله ع عن قوله «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» قال الضَّغْتُ مِنَ السَّنْبِلِ وَ الْكَفِّ مِنَ التَّمْرِ إِذَا خَرَصَ (قمی، ۱۳۶۷: ۲۱۸/۱). از این روایت نیز می‌توان استنباط کرد در هنگام درو و جمع‌آوری محصول باید حق مستمندان را پرداخت و اگر در هنگام جمع‌آوری محصول بینوایی حاضر نشد، دیگر بر صاحب محصول لازم نیست که حق مستمندان را بدهد؛ این مفهوم از روایت زیر قابل استنباط است: سعد بن سعد عن الرضا ع قال قلت فإن لم يحضر المساكين و هو يحصد كيف يصنع؟ قال ليس عليه شيء (قمی، ۱۳۶۷: ۲۱۸/۱)؛ این در حالی است که زکات واجب و شرعی در زمان جمع‌آوری محصول پرداخت نمی‌شود (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۸۲/۴) و زکات واجب و شرعی بعد از جمع‌آوری، تصفیه و مشخص شدن وزن محصول انجام می‌شود (راوندی، ۱۴۰۵: ۲۱۸/۱).

علاوه بر این در بسیاری از روایات امامان معصوم علیهم السلام به صراحت بیان کرده‌اند که عبارت «أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» اتفاق و صدقه‌ای است جدای از زکات واجب و شرعی، از جمله می‌توان به روایات زیر اشاره کرد:

- مُحَمَّدٌ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُفِيدُ فِي الْمُقْنَعَةِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عْتَبَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى وَ اتُّوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ - قَالَ هُوَ سَوَى مَا تُخْرِجُهُ مِنَ زَكَاتِكَ الْوَاجِبَةِ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۰/۹).

- عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ وَ اتُّوا

حق حصاد را به افراد ناشناس داد از جمله: عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» قَالَ: الضَّعْفُ وَالْإِنْتِنِ تَعْطَى مَنْ حَضَرَكَ (عیاشی، ۱۳۶۳: ۳۷۷/۱). با توجه به عبارت «تَعْطَى مَنْ حَضَرَكَ» می‌توان چنین استنباط کرد که مصداق اعطای حق حصاد نامحدود است و همه انسان‌ها را فارغ از دین و اعتقادشان در برمی‌گیرد، در صورتی که در لابه‌لای روایات برای گیرندگان زکات محدودیت‌هایی بیان شده است و نمی‌توان زکات را به افراد ناشناس داد و باید گیرندگان زکات در یکی از گروه‌های هشت‌گانه مستحق زکات قرار گیرند، از جمله: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الزَّكَاةِ هَلْ تُوَضَّعُ فِيمَنْ لَا يَعْرِفُ قَالَ لَا وَلَا زَكَاةُ الْفِطْرَةِ (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۴۷/۳). علاوه بر این موارد مصداق دیگری نیز بیان شده است که نباید به آنها زکات داد، از جمله:

- خویشاوندان: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: خَمْسَةٌ لَا يُعْطَوْنَ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئًا الْأَبُ وَالْأُمُّ وَالْوَلَدُ وَالْمَمْلُوكُ وَالْمَرْأَةُ وَذَلِكَ أَنَّهُمْ عِيَالُهُ لِأَزْمُونَ لَهُ (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵۲/۳).

- جبریه: عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ يَقُولُ مَنْ قَالَ بِالْجَبْرِ فَلَا تُعْطَوْهُ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئًا (ابن بابویه، ۱۳۸۹: ۳۶۲).

- واقفیه: عَنِ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاعِ أَعْطِيَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّ أَبَاكَ حَىٌّ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئًا قَالَ لَا تُعْطَهُمْ فَإِنَّهُمْ كُفَّارٌ مُشْرِكُونَ زَنَادِقَةٌ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۹/۹).

شناخت پیدا کنند (بحرانی، ۱۴۱۶: ۷۹۵/۲)؛ اما در لابه‌لای روایات وارده از معصومان علیهم‌السلام موارد مصرف «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» فراتر از ۸ مورد ذکر شده زکات است که از این روایات و مصداق مصرف عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» می‌توان چنین استنباط کرد این عبارت بر زکات واجب و شرعی دلالت ندارد، در ادامه به بیان نمونه‌هایی از آنها پرداخته می‌شود:

مشرك، مصداق «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ»

در لابه‌لای برخی از روایات وارده در ذیل عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» بیان شده است که می‌توان در هنگام جمع‌آوری محصول صدقه و انفاق را به مشرک نیز داد از جمله:

- عن هاشم بن المثنى قال قلت لأبي عبد الله ع «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» قال: أعط من حضرک من مشرک أو غیره (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۸/۹).

- عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» قَالَ: أَعْطِ مَنْ حَضَرَكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَإِنْ لَمْ يَحْضُرْكَ إِلَّا مُشْرِكٌ فَأَعْطِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۶/۹۳).

از دو حدیث فوق به صراحت استنباط می‌شود که می‌توان حق ذکر شده در عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» را به مشرک نیز داد در صورتی که مشرک در ردیف ۸ مورد مصداق ذکر شده در آیه ۶۰ سوره توبه نمی‌باشد.

مصداق نامحدود «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ»

در لابه‌لای روایات چنین استنباط می‌شود که می‌توان

یوم جده و قطعہ؛ و الحب لا شک أنه فی ذلک الیوم فی سنبله، علم أن ما یؤخذ صدقة بعد حین حصده غیر الذی یجب إیتاؤه المساکین یوم حصاده (طبری، ۱۴۱۲: ۴۴/۸). علاوه بر این در احادیث نیز به این موضوع اشاره شده است از جمله:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» قَالَ: «تُعْطَى الْمَسْكِينُ يَوْمَ حَصَادِكَ الضَّغْتِ، ثُمَّ إِذَا وَقَعَ فِي الْبَيْدْرِ، ثُمَّ إِذَا وَقَعَ فِي الصَّاعِ الْعُشْرُ وَنِصْفُ الْعُشْرِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۶۵/۳).

أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى - أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ عِنْدَ الْحَصَادِ يَعْنِي الْقَبْضَةَ بَعْدَ الْقَبْضَةِ إِذَا حَصَدْتَهُ وَ كَذَلِكَ عِنْدَ الصَّرَامِ (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۰۶/۴).

سبب نزول آیه

مطالب و داستانی که در سبب نزول این آیه بیان شده است نیز بر انفاق و صدقه دلالت دارد، نه زکات شرعی و واجب؛ در ذیل آیه ۱۴۱/انعام داستان ثابت بن قیس بیان شده است که در هنگام جمع‌آوری محصول خرماي خویش همه آنها را به بینوایان و مسکینان داد و هیچ چیزی برای خود و خانواده‌اش نگه نداشت، در این حال آیه فوق نازل شد (عنایه، ۱۴۱۱: ۲۰۷).

با توجه به سبب نزول بودن و یا تفسیر مصداقی مطلب فوق، می‌توان نتیجه گرفت که آیه مذکور با زکات واجب و شرعی جمع نمی‌شود، زیرا زکات واجب و شرعی مقدارش مشخص است و اسراف و زیاده‌روی در آن راه ندارد.

- مجسمه: وَ رُوِيَ: مَنْ قَالَ بِالْجِسْمِ فَلَا تُعْطُوهُ مِنْ الزَّكَاةِ شَيْئًا، وَلَا تَصَلُّوا وَرَاءَهُ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۶۸/۴).

- شارب الخمر: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ دَاوُدَ الصَّرَمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ شَارِبِ الْخَمْرِ يُعْطَى مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئًا قَالَ لَا (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۶۳/۳)؛ بنابراین از آنجایی که نمی‌توان حق زکات را خویشاوندان، جبریه، واقفیه، شارب الخمر مجسمه داد و می‌توان حق حصاد را به افراد ناشناس داد، می‌توان نتیجه گرفت که حق ذکر شده در عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» متفاوت از زکات شرعی و واجب است.

زمان وجوب زکات

یکی از دلایل بر تصدیق عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» بر انفاق و صدقه به زمان واجب شدن زکات واجب و شرعی باز می‌گردد، از عبارت «يَوْمَ حَصَادِهِ» در جمله «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» به صراحت می‌توان نتیجه گرفت که حق مال را باید در زمان جمع‌آوری محصول پرداخت، درحالی‌که زکات در زمان جمع‌آوری محصول پرداخته نمی‌شود؛ زیرا در زمان جمع‌آوری محصول هنوز مقدار آن مشخص نشده است که آیا مقدار محصول به حدنصاب می‌رسد و یا خیر، در این باره برخی از مفسران نیز اشاره کرده‌اند از جمله:

الزكاة لا يمكن في تلك الحال لأن العشر أو نصفه مكيل و لا يؤخذ إلا من المكيل و في وقت الحصاد لا يكون مكيلا و لا يمكن كيلاه و إنما يكال بعد تدريته و تصفيته (راوندی، ۱۴۰۵: ۲۱۷/۱).

وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ يَنْبِئُ عَنْ أَنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ جَلِ ثَنَاؤُهُ بِإِيتَاءِ حَقِّهِ يَوْمَ حَصَادِهِ، وَ كَانَ يَوْمَ حَصَادِهِ هُوَ

۷. اختلاف معنای لفظ زکات در بین متقدمان و متأخران

در طول تاریخ یک زبان برخی از کلمات دارای معانی متفاوتی هستند بدین معنا که ظاهر و شکل نگارششان یکسان است اما معنای مستفاد از آنها متفاوت، به عنوان نمونه در زبان فارسی می‌توان به دو کلمه «حشیش» و «شوخ» اشاره کرد؛ «حشیش» در روزگاران نه به معنای ماده مخدر، بلکه به معنای گیاه خشک بوده که در گذر زمان معنای ماده مخدر را به خود نیز گرفت، کاربرد حشیش به معنای گیاه خشک در شعر مولوی به کار رفته است:

گاو که بود تا تو ریش او شوی

خاک چه بود تا حشیش او شوی.

(مولوی، ۱۳۷۸: دفتر اول).

بنابراین نمی‌توان کلمه حشیش را در شعر مولوی را به معنای امروزی آن یعنی ماده مخدر تفسیر نمود. کلمه دیگر «شوخ» است که در سفرنامه ناصر خسرو از آن به چرک و کثافت یاد شده است مانند گرمابه بان دهم تا باشد که ما را دمکی زیادت‌تر در گرمابه بگذارد که شوخ از خود باز کنم (ناصر خسرو، ۱۳۸۹: بخش ۸۲). شوخ از خود باز کردن به معنای تمیز نمودن است، اما امروزه از این کلمه معنای شوخی و مزاح کردن، برداشت می‌شود، بنابراین در طول تاریخ هر زبانی باید به معنای کلمات در زمان خودشان توجه شود که ممکن است در گذر زمان معنای متفاوتی به خود گیرند، یکی از این کلماتی که در لسان اهل تفسیر معنای متفاوتی داشته است کلمه زکات است، مفهوم و حوزه معنایی زکات در بین متقدمان و متأخران متفاوت بوده است، زکات در بین متقدمان منحصرأً به معنای

زکات شرعی و واجب نبوده است، زکات شرعی و واجب در نزد متقدمان با لفظ «صدقه مفروضه» و «العشر و نصف العشر» توصیف می‌شده است و در بسیاری از موارد از صدقه و انفاق و نه زکات واجب و شرعی با لفظ زکات یاد می‌کرده‌اند و متأخران بدون توجه به حوزه معنایی زکات ذکر شده در لسان متقدمان آن را بر زکات واجب و شرعی حمل کرده‌اند؛ از جمله مواردی که از زکات واجب و شرعی با لفظ «صدقه مفروضه» یاد شده است می‌توان به عبارت‌های زیر اشاره کرد: *أولى الأقوال في ذلك عندی بالصواب، قول من قال: كان ذلك فرضاً فرضه الله على المؤمنين في طعامهم و ثمارهم التي تخرجها زروعهم و غرسهم، ثم نسخة الله بالصدقة المفروضه* (طبری، ۱۴۱۲: ۴۴/۸).

از جمله مواردی که از زکات واجب و شرعی با لفظ «العشر و نصف العشر» یاد شده است می‌توان به عبارت‌های زیر اشاره کرد:

- أخرج سعيد بن منصور و ابن أبي شيبة و ابن المنذر و ابن أبي حاتم و النحاس و البيهقي في سننه عن ابن عباس و أتوا حقه يوم حصاده قال نسخها العشر و نصف العشر؛

- أخرج ابن أبي شيبة و ابن أبي حاتم عن عطية العوفی في قوله و أتوا حقه يوم حصاده قال كانوا إذا حصدوا و إذا دیس و ادا غربل أعطوا منه شيئاً فنسخها العشر و نصف العشر؛

- أخرج ابن أبي شيبة و عبد بن حميد و أبو داود في ناسخه و ابن المنذر عن سفیان قال سالت السدی عن هذه الآية و أتوا حقه يوم حصاده قال هي مكية نسخها العشر و نصف العشر قلت له عن من قال عن العلماء (سيوطی، ۱۴۰۴: ۴۹/۳).

الحسن بن علی عن أبان عن أبي مریم عن أبي عبد الله ع في قول الله عز وجل - وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ قَالَ تُعْطَى الْمَسْكِينُ يَوْمَ حَصَادِكَ الضَّغْتُ ثُمَّ إِذَا وَقَعَ فِي الْبَيْدِرِ ثُمَّ إِذَا وَقَعَ فِي الصَّاعِ الْعُشْرُ وَ نَصْفُ الْعُشْرِ (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۶۵/۳)؛ بنابراین اگر متقدمان نیز در تفسیر عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» از لفظ زکات استفاده کرده باشند صرفاً به معنای زکات واجب و شرعی نیست.

بحث و نتیجه گیری

از مطالب ذکر شده نتایج زیر به دست می آید:

۱. آیات مستثنیات و ناسخ و منسوخ در تفکر تفسیری شیعه جایگاهی ندارد و آیات مستثنیات در طول تاریخ تفسیر با اجتهاد مفسران اهل سنت و بعضاً نقل آنها توسط شیعه جهت جمع بین تضادهای ظاهری به وجود آمده است و مستثنی نمودن آیه ۱۴۱/انعام به جهت تعارض بین زکات واجب در مدینه و حمل عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» به زکات واجب و شرعی به وجود آمده است.

۲. عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» به معنای صدقه و انفاق است که اگر مسکین و نیازمندی در هنگام جمع آوری محصول وارد شد، صاحب مال باید مقداری از مال را به او دهد و اگر مسکینی وارد نشد بر صاحب مال واجب نیست و این عبارت با زکات واجب و شرعی ارتباطی ندارد، زیرا زکات واجب و شرعی اولاً نه در هنگام جمع آوری محصول بلکه بعد از جمع آوری محصول و مشخص شدن مقدارش به مسکین و نیازمند داده می شود و این حق واجب در همه حال واجب است، نه فقط در هنگام جمع آوری

علاوه بر این متقدمان در هنگام شرح و تبیین عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» از لفظ زکات استفاده کرده اند اما جهت توضیح تکمیلی با ذکر الفاظی نظیر «هی الصدقة»، «شیئا سوی الحق الواجب»، «سوی الفریضة» زکات واجب و شرعی را از زکات مستحبی که صدقه و انفاق است از هم جدای کرده اند از جمله:

- حدثني يعقوب، قال: ثنا ابن علي، قال: أخبرنا يونس، عن الحسن، في قوله: وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ الزكاة قال: هي الصدقة؛

- حدثنا عمرو بن علي، قال: ثنا عبد الوهاب، قال: ثنا محمد بن جعفر، عن أبيه جعفر: وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ الزكاة قال: شيئا سوی الحق الواجب؛ حدثنا ابن وكيع، قال: ثنا جرير، عن ليث، عن مجاهد: وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ الزكاة قال: سوی الفریضة؛

- حدثني المثنى، قال: ثنا سويد، قال: أخبرنا ابن المبارك، عن شريك، عن سالم، عن سعيد، في قوله: وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ الزكاة قال: كان هذا قبل الزكاة للمساكين، القبضه و الضغث لعلف دابته (طبری، ۱۴۱۲: ۴۰/۸).

در روایت های امامان معصوم علیهم السلام نیز در هنگام بیان زکات واجب از لفظ «العشر و نصف العشر» استفاده شده است، مانند:

- في الزرع حقان: حق تؤخذ به، و حق تعطيه. قلت: و ما الذي أؤخذ به، و ما الذي أعطيه؟ قال: أما الذي تؤخذ به، فالعشر و نصف العشر؛ و أما الذي تعطيه، فقول الله عز وجل: وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴۵۸/۴).

- الحسين بن محمد عن معلى بن محمد عن

- موصول.
۳. از سیاق آیه ۱۴۱/انعام و عبارت‌های ابتدایی آنکه میوه‌ها از جمله انار و زیتون را ذکر کرده است، نیز از عبارت «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» می‌توان نتیجه گرفت که حق ذکر شده در عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» بر زکات واجب و شرعی دلالت ندارد، زیرا زکات به محصولات صیفی و باغی چون انار و زیتون تعلق نمی‌گیرد و دیگر آنکه مقدار زکات مشخص است و اسراف در زکات معنایی ندارد.
۴. سبب نزول آیه و روایات وارده از امامان معصوم علیهم‌السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم به صراحت بر این مطلب دلالت دارد که عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» به معنای انفاق و صدقه است نه زکات واجب و شرعی.
۵. نادیده گرفتن معنای چندگانه زکات و صدقه در قرآن و نیز بی‌توجهی به اختلاف معنای زکات در کتب تفسیری در طول تاریخ تفسیر، برخی از مفسران را بر آن داشت که عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» را بر زکات واجب و شرعی تفسیر نمایند.
- منابع
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۹ق). *التوحید*. به تصحیح هاشم حسینی. قم: جامعه مدرسین.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق). *دعائم الإسلام*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- ابن ضریس، ابو عبدالله محمد بن ایوب بجلی (۱۴۰۸ق). *فضائل القرآن و ما نزل من القرآن*.
- بمکّه و ما انزل القرآن بالمدينه. دمشق: دارالفکر.
- ابن عطیه اندلسی، عبد الحق بن غالب (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز*. به کوشش عبدالسلام محمد، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اخوان مقدم، زهره، طهماسبی بلداجی، اصغر (زمستان ۱۳۹۴). «ارزیابی نظریه وقوع نسخ در قرآن کریم». *تحقیقات علوم قرآن و حدیث* دوره ۱۲. شماره ۴. ۱-۲۵.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. به تحقیق علی عبدالباری عطیه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر بن سلیمان*. به کوشش شحاته. بیروت: دار احیاء التراث.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). *احکام القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- حسکانی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. به تحقیق محمدباقر محمودی. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۳۹۲ق). *تفسیر نور الثقلین*. قم: چاپ و نشر نوید اسلام.

- حیدری مزرعه آخوند، محمدعلی؛ پهلوان، منصور؛
اشتری رکن‌آبادی، محمدرضا (زمستان ۱۳۹۵).
«عوامل پیدایش آیات مستثنیات». فصلنامه
پژوهش‌های قرآنی. دوره ۲۱. شماره ۸۱. ۱۴۲-
۱۶۵.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۳۶۴ق). *البيان في تفسير
القرآن*. تهران: کعبه.
- رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر
(۱۴۲۰ق). *مفاتيح الغيب*. بیروت: دار احیاء التراث
العربی.
- راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة الله (۱۴۰۵ق).
فقه القرآن في شرح آیات الأحكام. قم: کتابخانه
آیه الله مرعشی نجفی.
- رجبی، محمود (۱۳۸۳ش). *روش تفسیر قرآن*. قم:
مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱ش).
كشف الأسرار و عدة الأبرار. تهران: انتشارات
امیرکبیر.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الكشاف عن حقائق
غوامض التنزيل*. بیروت: دارالکتب العربی.
- سید قطب، ابو ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ق). *في ظلال
القرآن*. بیروت: دار الشروق.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر
(۱۴۰۴ق). *الدر المنثور في تفسیر المأثور*. قم:
کتابخانه آیت الله مرعشی.
- _____ (۱۴۲۱ق). *الاتقان في علوم
القرآن*. بیروت: دارالکتب العربی.
- شبر، سید عبدالله (۱۴۱۲ق). *تفسیر القرآن الکریم*.
بیروت: دارالبلاغه.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۷۶ش).
مفاتيح الاسرار و مصابيح الابرار. به تحقیق
محمدعلی آذرشب. تهران: دفتر نشر میراث
مکتوب.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *الميزان في
تفسیر القرآن*. قم: انتشارات اسلامی.
- طبری، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). *جامع البيان عن
تأويل آی القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبيان في تفسیر
القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۶۵ش). *تهذيب الأحكام*. به
تحقیق سید حسن موسوی خراسان. تهران: دار
الکتب الاسلامیة.
- عنایه، غازی (۱۴۱۱ق). *اسباب النزول القرآنی*.
بیروت: دارالجیل.
- عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش السلمی
السمرقندی (۱۳۶۳ش). *التفسیر*. به تحقیق هاشم
الرسولی المحلاتی. تهران: العلمیه الاسلامیه.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸ق). *الاصفي في
تفسیر القرآن*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- قاسمی، جمال‌الدین (۱۴۱۸ق). *محاسن التاویل*.
بیروت: دارالکتب العلمیة.
- قبادیانی مروزی، ناصر خسرو (۱۳۸۹ش).
سفرنامه. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران:
انتشارات زوار.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش). *کنز
الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: وزارت ارشاد.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش). *تفسیر قمی*. قم:
دارالکتاب.

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). *الکافی*. به تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵). *التمهید فی علوم القرآن الکریم*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد (مشهور به مولوی) (۱۳۷۸ش). *مثنوی معنوی*. براساس نسخه تصحیح شده رینولد نیکلسون. با مقدمه استاد بدیع‌الزمان فروزانفر. تهران: انتشارات امیر مستعان.